



## چارچوب عملکرد "مساوات"

این سند که بیانگر اصول، اهداف، چشم انداز و افقهای مساوات به منزله جنبش جهانی مدافع برابری و عدالت در خانواده مسلمان است، چهارچوبهای نظری و راهکارهای عملی تحقق آن را مشخص می سازد. مساوات بر این باور است که تحقق برابری در میان خانواده های مسلمان امری ضروری است، زیرا در حال حاضر بسیاری از رسوم و سنتها و قوانین جاری در این زمینه ناعادلانه هستند و قابلیت پاسخگویی به ضرورتها و نیازهای زندگی افراد و خانواده های مسلمان را ندارند. مساوات بر این باور است که برابری در خانواده امری ممکن است که از طریق یک راهبرد کلی که تعالیم اسلامی، مبانی جهانی حقوق بشر، حقوق اساسی و ضمانت های مبتنی بر قانون اساسی و واقعیت های ملموس زندگی کنونی زنان و مردان را در هم می آمیزد، محقق می گردد. مساوات محصول دهه ها تلاش خستگی ناپذیر گروهها و فعالان زن جوامع و کشورهای مسلمان است که از سویی در جهت اصلاح و تغییر قوانین خانواده که نسبت به زنان تبعیض قائل می شوند کوشیده اند و از جانب دیگر نیز با درخواستهای گروه های محافظه کار که به دنبال وضع قوانین واپسگرایانه هستند، مخالفت کرده اند.

این چارچوب فکری و عملی توسط فعالان و اندیشمندان مسلمان که برای بنیان نهادن مساوات گرد هم آمده بودند، ساخته و پرداخته شده است. گروه اصلی، که هماهنگی آنان را سازمان غیر دولتی "خواهران در اسلام" (Sisters in Islam) متشکل از یک کمیته برنامه ریزی دوازده نفره از فعالان و دانشگاهیان مسلمان یازده کشور است. این سند حاصل کار فکری و نوشتاری برآمده از مجموعه ای از جلسات و گفت و گو ها با محققان، دانشگاهیان، فعالان و وکلای مسلمان از حدود ۳۰ کشور است.



**ما معتقدیم که مبانی اسلام سرچشمه عدالت، برابری، انصاف و کرامت برای همهٔ انبای بشر است. ما بر این باوریم که برابری و عدالت در قانون و سنت خانواده های کشورها و جوامع مسلمان، امری ممکن و ضروری است.**

### شناخت ارزش های برابری و عدالت

- تعالیم قرآن، اهداف شریعت، معیارهای جهانی حقوق بشر، حقوق اساسی، ضمانتهای مبتنی بر قانون اساسی کشورها، و واقعیت های زندگی ما در قرن بیست و یکم همگی مستلزم آنند که بر روابط میان زنان و مردان مسلمان در حوزه های عمومی و خصوصی، قوانین، اصول و سنت های مبتنی بر برابری، عدالت و انصاف حکمفرما شود؛

- همهٔ مسلمانان از حقوق و وظایف یکسانی برای خواندن متون مذهبی، مشارکت در فهم و درک پیام خداوند و اقدام در جهت برقراری عدالت و پیشرفت انسان در درون خانواده، جوامع و کشورهای خود برخوردارند؛
- بسیاری از قوانین و سنتهای کشورهای مسلمان ناعادلانه هستند، و این بی عدالتی های روزمره به زندگی همه اعضای خانواده، به ویژه زنان، لطمه می زند؛
- همسان با جوامع بشری و مسایل انسانی که دائماً در حال تغییر و توسعه است، قوانین و عرف جامعه نیز که شکل دهنده روابط درون خانوادهٔ مسلمان می باشد در حال تغییر و تحول خواهد بود؛
- اسلام دربرگیرندهٔ برابری، عدالت، رحمت و احترام متقابل میان همهٔ انسان هاست و این ارزش ها راه تغییر و تحول را پیش روی ما قرار می دهند؛
- اصلاح قوانین و سنتها به صلاح جامعه و منافع عمومی، همواره بخشی از سنت دیر پای حقوقی مسلمانان بوده است؛ و
- معیارهای جهانی حقوق بشر مستلزم کرامت، برابری واقعی و عدم تبعیض میان همهٔ انسان هاست؛

*ما، به عنوان مسلمانان و شهروندان کشورهای مدرن، اعلام می داریم که برابری و عدالت در خانواده امری ضروری و ممکن است. اکنون زمان تحقق این ارزش ها در سنتها و قوانین ما فرا رسیده است.*

## **۱ - برابری و عدالت در خانواده امری ضروری است**

ساختار حقوقی و عرفی خانواده در کشورها و جوامع مسلمان امروزی بر مبنای اصول و مفاهیمی است که توسط فقها در قرون گذشته و در شرایط بسیار متفاوت تاریخی، اجتماعی و اقتصادی وضع شده است. راهنمای فقهای متقدم در تفسیر قرآن و سنت، تجربه و دانش شخصی، واقعیت های اجتماعی و سیاسی عصر خود و مجموعه ای فرضیات دربارهٔ حقوق، اجتماع و جنسیت بود که بازتاب وضعیت علمی، ارزش های معمول و عرفی و نهادهای مردسالارانهٔ همان دوره بودند. ایدهٔ برابری جنسیتی جایی در درک آنها از عدالت نداشت و یا ربط آن به مفهوم عدالت را احساس نمی کردند. این ایده، بخشی از تجربهٔ اجتماعی زندگی در آن دوران به شمار نمی رفت. مفهوم ازدواج در آن زمان به معنای سلطهٔ مرد و اطاعت زن بود. تصور غالب بر آن بود که زنان محتاج قیم هستند و فقط مردان از عهده اداره خانواده بر می آیند، تا جایی که همسرانشان موظف به انجام کارهای خانه یا حتی شیر دادن به کودکانشان نبودند. زنان در عوض موظف به اطاعت کامل از شوهرانشان بودند.

در اوایل قرن بیستم، دنیای جدیدی بر مبنای این تفکر که برابری از مفاهیم جدایی ناپذیر عدالت است پدیدار شد و دنیای نویسندگان متون فقهی کلاسیک رو به زوال رفت. اما ساختار نابرابر حقوق جنسیتی در متونی که از آنها بجا مانده بود، مجدداً با شیوه ای متفاوت – در باز خوانی مجدد، مفاهیم کهن فقه سنتی، قوانین استعماری و سنتهای مرد سالارانه در ترکیبی جدید، امتزاج یافتند و بسیاری از قوانین خانوادهٔ فعلی کشورهای مسلمان در این روند تدوین شدند و به همین دلیل بر مبنای فرضیات و مفاهیمی استوار هستند که با نیازها، تجربیات و ارزش های زندگی کنونی مسلمانان ارتباطی ندارد.

با انزوای فقها به دلیل تغییر واقعیات سیاسی و اجتماعی، اجرا و تدوین این قوانین بر عهده نهادهای قانونگذاری و اجرایی گذاشته شد که فاقد مشروعیت مذهبی برای تفسیر مجدد این قوانین بودند و در عین حال به دلیل منافعشان تمایلی برای تغییر این قوانین نداشتند. حتی در جوامع مسلمانی که مفاهیم فقه سنتی هیچگاه به قانون تبدیل نشده است، قواعد کهن فقهی، قوانین استعماری و نیز ارزشهای محلی، نقش موثری در حفظ نابرابری میان زنان و مردان در درون خانواده و در سطحی گسترده تر در درون جامعه نقش موثری را ایفا می کنند.

بی عدالتی های ناشی از شکاف میان رسوم و قوانین کهنه و واقعیت های دنیای امروز متعددند و می توان موارد آنها را در بسیاری از کشورها و جوامع مسلمان یافت. چنین بی عدالتی ها و تبعیض هایی در قوانین سکولار سراسر جهان نیز وجود داشت، تا زمانی که در قرن بیستم تغییراتی در جهت تطابق تدریجی این قوانین با اصول جدید جهانی برابری صورت گرفت. از آنجا که رسوم و قوانین خانواده با همه ابعاد دیگر اجتماع در ارتباط هستند، بی عدالتی های درون خانواده در بسیاری از زمینه ها مانند کرامت انسانی، امنیت فردی، آزادی عمل، اموال و دارایی، حقوق شهروندی، تابعیت، حقوق کاری، حقوق جزا و مشارکت سیاسی بر زنان تأثیر گذار است.

در دوره معاصر، عدالت بدون برابری معنایی ندارد. بسیاری از ابعاد قوانین خانواده ما، به گونه ای که توسط فقهای متقدم تعریف شده و در قوانین حقوقی معاصر مدون گردیده اند، در شرایط کنونی غیر قابل قبول و بر اساس موازین اسلامی غیر قابل دفاع هستند. این ابعاد نه تنها عدالت را که خواسته شریعت است، محقق نمی کند، بلکه در حال حاضر از آنها برای محروم ساختن زنان از حق انتخاب با کرامت استفاده میشود. این عناصر ناعادلانه اکنون نقشی موثر در اختلافات زناشویی و فروپاشی خانواده ها دارند.

## ۲- برابری و عدالت در خانواده امری ممکن است

تعالیم قرآن دربرگیرنده اصول عدالت، برابری، انصاف، کرامت، مودت و رحمت است. این اصول منعکس کننده معیارهای جهانی و منطبق با معیارهای کنونی حقوق بشر است. این ارزش های کلیدی قرآن می توانند در جهت رشد و ارتقا رسوم و قوانین خانواده، هم سو با مفهوم فعلی عدالت، که شامل برابری میان زن و مرد در پیشگاه قانون است، موثر و رهنمون باشند.

تعدادی از مفاهیم اساسی نظریه حقوقی اسلام مبنای این ادعا هستند که می توان رسوم و قوانین خانواده را بر مبنای عدالت، برابری و واقعیات زندگی کنونی مسلمانان، تغییر داد:

- شریعت و فقه با هم تفاوت دارند. در معارف اسلامی، شریعت (در اصطلاح ادبی به معنای راه، سرچشمه آب) کل اصول و ارزش های مذهبی است که برای راهنمایی حیات بشر به حضرت محمد وحی شده است. فقه (در اصطلاح ادبی به معنای ادراک، شناخت) روندی است که از طریق آن انسان ها تلاش می کنند قوانین مشخص حقوقی را از دو منبع اصلی اندیشه و عرف اسلامی یعنی قرآن و سنت پیامبر استخراج کنند. شریعت را نمی توان به عنوان یک مفهوم به مجموعه ای از قوانین حقوقی تقلیل داد؛ به عبارت دیگر شریعت به علم اخلاق نزدیک تر است تا علم حقوق. شریعت دربرگیرنده اصول و ارزش های اخلاقی است که انسان ها را به سوی عدالت و رفتار

درست هدایت می کنند. آنچه که معمولاً قوانین شریعت گفته می شوند، در اصل، غالباً برگرفته از فقه و نظرات فقها است، و بنابراین، انسانی، خطاپذیر و قابل تغییر می باشند.

- احکام حقوقی به دو دسته اصلی تقسیم می شوند: عبادات و معاملات. احکام عبادات تعیین کننده روابط میان خدا و مؤمنان است، و بنابراین، میزان تغییر در آنها محدود است. اما احکام معاملات تعیین کننده روابط میان انسان ها، و در نتیجه، تغییرپذیر هستند. از آنجا که مسائل مربوط به بشر دائماً در حال تغییر و گسترش است، همواره احکام جدیدی لازم است که از تفاسیر جدید متون مذهبی برای تطبیق قوانین قدیمی با مقتضیات زمان و مکان استفاده کنند. این مبنای منطقی اجتهاد (در اصطلاح ادبی به معنای تلاش، جد و جهد) یعنی روش فقیه برای یافتن راه حل مسائل جدید در سایه هدایت وحی است. احکام مربوط به خانواده و روابط زن و مرد متعلق به حوزه معاملات است، به این معنا که فقهای مسلمان همواره این احکام را موضوعات اجتماعی و قراردادی تلقی کرده اند که می توانند در معرض ارزیابی مجدد و تغییر قرار گیرند.

- قوانین یا اصلاحات مطرح شده به نام شریعت و اسلام باید در عین حال منعکس کننده ارزش های برابری، عدالت، رحمت، محبت، مودت و احترام متقابل میان انسان ها باشد. اینها اصول و ارزش هایی هستند که مسلمانان درباره آنها اتفاق نظر دارند و فقهای مسلمان آنها را اهداف انکارناپذیر شریعت می دانند.

- برداشتهای متفاوت و متنوع فقهی، به عنوان یک مفهوم اساسی همواره بخش جدایی ناپذیری از فقه بوده، که پس از تأسیس مکاتب رسمی فقهی نیز تداوم یافته است. بنابراین هیچگونه "قانون اسلامی" واحد و یکپارچه ای وجود ندارد و همیشه نیز بدین منوال بوده است. وجود مذاهب چندگانه فقهی و دهها قانون مربوط به خانواده مسلمان در کشورهای مختلف نشانگر این واقعیت است که هیچ فرد، گروه یا کشوری نمی تواند مدعی یک قانون اسلامی الهی، یکپارچه و واحد شود. در چارچوب دولتهای مدرن، ما باید این اختلافات و تنوع عقاید را به رسمیت شناخته و نسبت به آن متعهد باشیم تا بتوانیم به بهترین شیوه به منافع عمومی (مصلحت) خدمت کنیم و مطالبات مبتنی بر برابری و عدالت را برآورده سازیم.

بنابراین، قوانین فعلی خانواده، چه مدون و چه غیرمدون، الهی نیستند، بلکه مبتنی بر قرن ها تفاسیر کهن فقهی ساخته بشر هستند که توسط قدرتهای استعماری یا دولتهای ملی تبدیل به قانون شده اند. از آنجا که این قوانین و تفاسیر، ساخته بشر هستند و به روابط میان انسان ها مربوط می شوند، می توانند در چارچوب اصول اسلامی و منطبق با واقعیت های متحول زمان و مکان تغییر یابند. اصلاحات سازنده اخیر در قوانین خانواده مسلمان و تحولات مناسبات درونی خانواده ها، نشاندهنده این امکان تغییر است.

اصول و آرمان های قرآن راههای تحقق برابری و عدالت را در رسوم و قوانین خانواده ترسیم می کنند، همانطور که بر مبنای این اصول مناسبات برده داری به پایان خود رسید. به عبارت دیگر در گذر زمان بی عدالتی های مربوط به مناسبات برده داری، بیش از پیش نمایان و شرایط برچیده شدن آن مهیا می شد، و رسوم و قوانین فقهی مربوط به برده داری نیز منسوخ گشت. به همین ترتیب، قوانین فعلی خانواده – و همچنین سنتهایی که تبدیل به قانون نشده اند – باید تحول یابند تا ارزش های اسلامی برابری و عدالت را متبلور سازند، معیارهای جهانی حقوق بشر را تقویت کنند و پاسخگوی واقعیت های ملموس خانواده ها در قرن بیست و یکم باشند. همچنین، قوانین یا اصلاحات معرفی شده

در آینده به نام اسلام باید بازتاب دهنده عدالت، برابری، مودت و رحمت و احترام متقابل میان همه انسان ها باشند.

### ۳- اصول برابری و عدالت در خانواده

اصل ۱: ارزش های جهانی و اسلامی برابری، عدم تبعیض، عدالت و کرامت انسانی مبنای کلیه روابط انسانی است.

اسلام عدالت، برابری، کرامت انسانی، مودت و رحمت را در روابط میان انسان ها و در خانواده الزامی کرده است. به علاوه، این اصول بعنوان ارزش های جهانی شناخته شده اند و در بسیاری از قوانین اساسی کشورها و اسناد بین المللی گنجانده شده اند.

در قرآن، جایگاه زن و مرد در خلقت و در آخرت یکسان است. در سوره نساء آیه یکم آمده است: زن و مرد از یک نفس واحد خلق شده اند، یکی را بر دیگری برتری نیست، یکی برگرفته از دیگری نیست. زن برای مرد خلق نشده است، در عوض، هر دوی آنها برای منافع متقابل یکدیگر خلق شده اند.

قرآن "رأفت و مهربانی" میان زن و مرد را توصیه می کند (سوره روم آیه ۲۱)؛ اینکه زن و مرد به منزله لباس و پوشش یکدیگرند (سوره بقره آیه ۱۸۷)؛ "و عمل هیچکس از مرد و زن بی مزد گذاشته نمی شود" (سوره آل عمران آیه ۱۹۵)؛ و اینکه "مردان و زنان مؤمن همه یار و دوستدار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو امر کرده و از کار زشت منع می کنند" (سوره توبه آیه ۷۱). چهار آیه قرآن (آیات ۲۲۲ و ۲۲۸ سوره بقره و آیات ۲ و ۳۴ سوره نساء) که ظاهراً از سلطه مردان بر زنان در خانواده و نابرابری میان آنها در اجتماع سخن می گویند، باید در سایه اصول گسترده تر اسلامی و اهداف شریعت و نه در خلاء، فهم نشوند و تفسیر شوند.

استنباط ها و برداشت ها از عدالت و بی عدالتی در طول زمان تغییر می کند. در چارچوب نگرش قرآن درباره عدالت و برابری، آیات بسیاری وجود دارند که می توانند الگوی روابط درون خانواده و روابط میان همه انسان ها را فراهم آورد، الگویی که مطابق با مفاهیم کنونی عدالت باشد. برای برقراری عدالت در زمانه ما و همچنین پایبندی به روح اسلام و تعالیم آن، باید برابری در رسوم و قوانین ما گنجانده و باید احترام متقابل، محبت و همکاری، جایگزین نابرابری در روابط خانوادگی و روابط انسانی شود.

اصل ۲: برخورداری از حقوق کامل و یکسان شهروندی، از جمله مشارکت کامل در همه ابعاد جامعه، حق هر فردی است.

اسلام به ما می آموزد که همه انسان ها با ارزش و کرامت یکسان متولد می شوند؛ این موضوعی است که در اصول جهانی حقوق بشر منعکس شده است. قرآن برابری مطلق میان "همه مردان و زنان" را در ابعاد مهم زندگیشان ترویج می کند و وعده می دهد "خدا برای همه آنها مغفرت و پاداش بزرگ مهیا ساخته است." (سوره احزاب آیه ۳۵)

همه انسان ها، به عنوان افراد صاحب ارزش و کرامت یکسان در پیشگاه خداوند و به عنوان شهروندان ممالک مدرن، از حقوق یکسان برای مشارکت در امور سیاسی و رهبری، دسترسی یکسان به منابع اقتصادی، برابری در پیشگاه قانون و آزادی های یکسان در حوزه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و

سیاسی برخوردارند. قرآن متذکر می‌شود که همه انسان‌ها، اعم از زن و مرد، نماینده خدا بر روی زمین (خلیفه الله) و مسئول تحقق اراده خداوند بر روی زمین هستند. در کشورهایی که اسلام منبع حقوق و سیاست است، و همچنین در جوامعی که اسلام بر رسوم و سنت‌ها تأثیرگذار است، این حق و وظیفه همه مسلمانان – و همه مردم – است که برای رسیدن به عدالت و برابری در خانواده و جوامع خود، علناً در وضع قوانین، سیاستها و رویه‌ها سهیم باشند.

### اصل ۳: برابری بین زن و مرد مستلزم برابری در خانواده است.

اسلام خواستار برابری، عدالت، کرامت، مودت و رحمت میان همه مردم است. بنابراین، قوانین و سنتهای مربوط به خانواده باید از طریق ارتقای این اصول و پاسخگویی به واقعیت‌های ملموس زندگی امروز زنان و مردان مسلمان، این خواسته را برآورده سازند.

زن و مرد، هر دو سزاوار بهره‌مندی از عدالت و برابری در خانواده هستند و در عین حال از حق احترام و شناخت سهم مشارکتشان برخوردارند. قبول مسئولیت‌های مشترک در خانواده باید با حقوق یکسان، تصمیم‌گیری یکسان، دسترسی برابری به عدالت، حق مالکیت برابر، و تقسیم مساوی اموال به هنگام مرگ یا طلاق همراه شود. اصول اسلامی، معیارهای جهانی حقوق بشر، ضمانت‌های درون قوانین اساسی و واقعیات ملموس زندگی معاصر زنان و مردان، همگی نشان‌دهنده راهی برای تضمین عدالت و برابری در قوانین و سنتهای مربوط به خانواده هستند. در قرن بیست و یکم، کنوانسیون حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان – که هدف آن دستیابی بهی عدالت و برابری برای زنان در خانواده و جامعه است – بیشتر از مفاد قانون خانواده در بسیاری از کشورها و جوامع مسلمان، همسو با روح شریعت است.

### تحقق این اصول مستلزم قوانینی است که موارد ذیل را تضمین کنند:

- خانواده به عنوان مکانی امن و جایگاهی برای هماهنگی، حمایت و رشد فردی برای همه اعضای آن؛
- ازدواج به معنای مشارکت دو فرد برابر، با در نظر گرفتن محبت، احترام متقابل، گفتگو و قدرت تصمیم‌گیری میان دو طرف؛
- برخوردارگی از حقوق برابر برای انتخاب همسر یا انتخاب تجرد، و ازدواج آزادانه تنها با رضایت کامل؛ برخوردارگی از حقوق یکسان برای قطع پیوند ازدواج و همچنین بهره‌مندی از حقوق یکسان پس از طلاق؛
- برخوردارگی از حقوق و مسئولیت‌های برابر با رعایت حقوق مربوط به اموال مانند حق تحصیل مال، حق مالکیت، حق برخوردارگی از اموال، حق مدیریت، حق اداره اموال، حق تصرف و وراثت، به علاوه، تضمین امنیت مالی همه اعضای خانواده باید در نظر گرفته شود؛
- برخوردارگی والدین از حقوق و مسئولیت‌های برابر در قبال فرزندان خود.



ما، به عنوان زنان و مردانی که از ارزش های اسلامی و جهانی برابری و عدالت حمایت می کنیم، خواستار احیاء این ارزش ها در خانواده مسلمان هستیم. ما خواهان آن هستیم که دولت ها و رهبران سیاسی مان، نهادهای بین المللی، رهبران دینی، و برادران و خواهرانمان برای تحول در قوانین خانواده بر مبنای این ارزشها به هم پیوندند.

*برابری، عدالت، انصاف و کرامت اموری ممکن و ضروری در خانواده های مسلمان قرن بیست و یکم هستند. اکنون زمان تلفیق این ارزش ها با قوانین و تحقق آنها در زندگی روزمره مان فرا رسیده است.*

#### اعضای کمیته برنامه ریزی مساوات:

امل عبدالهادی (مصر)

امیرا الازهارى سنبل (مصر/قطر/ آمریکا)

اسمونا جدا (نیجریه)

عزه سلیمان (مصر)

کاساندرا بالچین (انگلیس)

ایزاتو توری (گامبیا)

کمالا چاندر اکیرانا (اندونزی)

پینار ایلک کاراجان (ترکیه)

ربیعہ نصیری (مراکش)

سهیل اکبر واریش (پاکستان)

زینا انور (مالزی)

زیبا میرحسینی (انگلیس/ ایران)